



# جذاب ترین ۳۰ دقیقه تاریخ جام جهانی

گری تاکر

مترجم: نوید صراف

قسمتی از بصیرت و دانش از طریق سن و سال، تجربه و تماشای اتفاقات بسیار حاصل می‌شود. ورزشگاه «آزتکا» در شهر مکزیکوسیتی یکی از آن مکان‌ها است که تجربه بسیاری در جهان فوتبال دارد و میزبان بسیاری از مسابقات حساس تاریخ فوتبال بوده. «آزتکا» نخستین ورزشگاه جهان است که از دو فینال جام جهانی میزبانی کرده و در طول حیاتش، بازیکنان، استعدادها و بازی‌های بزرگی را به خود دیده است. وقتی صحبت از بزرگی آرتکا به میان می‌آید، همگی باید سرتاپا گوش شویم و به تجربیات این ورزشگاه کهن گوش فرا دهیم.

خارج از ورزشگاه آرتکا لوحی قرار دارد که به مناسبت یادبود «دیدار قرن» نصب شده، همان استادیومی که «پله» و دوستانش با پیراهن زرد رنگ‌شان، تیم ملی ایتالیا را با گل‌های «جرسون»، «جرزینیو»، «کارلوس آلبرتو» و البته «پله» شکست دادند و به قهرمانی جهان رسیدند. این لوح اما در تقدیر از این فینال مهیج نیست و به چند روز قبل آن ارتباط دارد؛ روی این لوح نوشته شده: «به احترام و یاد تیم‌های آلمان و ایتالیا که در دیدار قرن در روز ۱۷ ژوئن ۱۹۷۰ در این ورزشگاه به میدان رفتند».

وجود یادبود دیداری به جز مسابقه فینال در آن تورنمنت، که از قضا روز احیای فوتبال تهاجمی بود، برای برخی بسیار عجیب است اما آنهایی که تقابل آلمان و ایتالیا در این جام را به خاطر می‌آورند، به خوبی اهمیت این مسابقه را درک می‌کنند. این دیدار تا دقیقه ۹۰ با پیروزی یک بر صفر ایتالیا پیگیری می‌شد و سبک دفاعی کاتاناجیوی لاجوردی‌پوشان، خط حمله آلمان را از کار انداخته بود؛ تا اینکه در آخرین دقیق دیدار، ژرمن‌ها توانستند گل تساوی را وارد دروازه آتزوری کنند.

فدراسیون فوتبال ایتالیا پس از حذف مقتضاحانه برابر کره شمالی در سال ۱۹۶۶، با توجه به موج انتقادات و اعتراضات، تصمیم به اخراج «ادموندو فابری» گرفت و مسئولیت فنی تیم به «هلنیو هررا» و «فروچیو والکاریجی» سپرده شد. سرمربی‌های پیشین تیم‌های آتالانتا و فیورنتینا مسئولیت داشتند تا ایتالیا را به دوران شکوهش بازگردانند و فدراسیون فوتبال ایتالیا به این نتیجه رسید که یک تیم دو نفره در رأس کار، بهتر از تنها یک شخص عمل خواهد کرد. آنها در گام نخست در یورو ۱۹۶۸ که با میزبانی ایتالیا همراه بود، لاجوردی‌پوشان را به قهرمانی اروپا رساندند و با موفقیت این مأموریت، جایگاه خود را روی نیمکت تیم ملی تثبیت کردند.

ایتالیا علیرغم میزبانی رقابت‌ها، باید طبق قانون آن روزها از راه بازی‌های مقدماتی، جواز حضور در تورنمنت را

کسب می‌کرد. آنها در دور انتخابی با تیم‌های ملی سوئیس، رومانی و قبرس همگروه شدند و با پنج پیروزی و یک تساوی برابر سوئیس، با اقتدار به مرحله نهایی بازی‌ها راه یافتند. در طول بازی‌های مقدماتی، ستاره‌ای جدید در ترکیب آتزوری ظهور کرد؛ «جیجی ریوا» ستاره وقت تیم کالیاری که در سه دیدار پایانی، شش گل به ثمر رساند و از سوی یک خبرنگار معروف ایتالیایی به نام «جیانی پررا» لقب جذاب «غرش توفان» را برای همیشه به نام خود سنجاق کرد.

ایتالیا تحت هدایت والکاریجی احیا گشت و با توجه به اینکه آنها میزبانی مرحله نهایی را بر عهده داشتند، تمام تمرکزشان دستیابی به عنوان قهرمانی در خانه معطوف بود.

چهار تیم نهایی حاضر در جام ملت‌های اروپا در سال ۱۹۶۸ را تیم‌های ملی ایتالیا، شوروی، یوگسلاوی و قهرمان جهان؛ انگلیس تشکیل دادند. طبق قرعه ایتالیا در نیمه‌نهایی به مصاف شوروی رفت. پس از تساوی بدون گل دو تیم در دیداری کم‌موقعیت، کار به تعیین برنده از طریق «شیر یا خط» کشید! از آنجا که ایتالیا میزبان این بازی‌ها بود، کمتر کسی از پیروزی ایتالیا در پرتاب سکه تعجب کرد. در دیگر دیدار نیمه‌نهایی هم یوگسلاوی برابر انگلیس با یک گل به برتری رسید تا دیدار فینال میان ایتالیا و یوگسلاوی برگزار شود.

طبق برنامه قبلی قرار بر این بود که دیدار رده‌بندی و پایانی روز هشتم ژوئن ۱۹۶۸ با سه ساعت اختلاف در ورزشگاه «المپیکو» شهر رم برگزار شود؛ این اقدام حداقل باعث می‌شد از دیدار رده‌بندی هم استقبالی صورت بگیرد. در دیدار پایانی این یوگسلاوی بود که نمایش دل‌انگیزی به تصویر کشید و با تک گل «ژاچیج» از میزبان پیش افتاد. اوضاع طبق انتظار والکاریجی پیش نمی‌رفت و این احتمال



گلی که هنوز هم محل اختلاف است و بسیاری اعتقاد دارند «توفیق بهراموف» کمک داور آذربایجانی مسابقه در آن صحنه مرتکب اشتباه شد چرا که توپ هرست هیچ‌گاه به شکل کامل خط را رد نکرد.

پس از جام جهانی، آلمان غربی درگیر رقابت‌های انتخابی یورو ۱۹۶۸ شد؛ آنها کنار یوگسلاوی و آلبانی در یک گروه قرار داشتند و مدعی اصلی صعود به دور نهایی محسوب می‌شدند. یوگسلاوی در این گروه با سه پیروزی و یک شکست برابر آلمان با شش امتیاز به کار خود پایان داد تا همه چیز در دستان آلمان باشد. به این ترتیب، ژرمن‌ها پا به تیرانا گذاشتند تا مقابل «آلبانی» صف‌آرایی کنند. میزبان تا پیش از این دیدار هنوز مقابل تعداد گل‌های زده‌اش عدد صفر خودنمایی می‌کرد و به طور میانگین در هر بازی چهار بار تور دروازه‌اش به لرزه در آمده بود. آلمان علیرغم بهره‌مندی از بمب‌افکنی قهار به نام «گرد مولر»، در این دیدار به تساوی بدون گل رضایت داد تا یوگسلاوی به لطف انسجام آلبانی، راهی سرزمین چکمه و دور پایانی جام ملت‌های اروپا شود.

در این بین شاید بد نباشد به این نکته اشاره کنیم که آلمان غربی آن روزها ترکیب بسیار خوبی داشت؛ «سپ مایر» از دروازه مناشافت محافظت می‌کرد، در خط دفاعی «فرانتس بکن‌باوئر» قیصر فوتبال آلمان توپ می‌زد و جلوتر از تمام آنها، مولر حضور داشت. آلمان غربی با این ترکیب خوب و برای فراموشی اتفاقات تلخ گذشته، مقتدر ظاهر شد و در بازی‌های انتخابی جام جهانی در منطقه اروپا با کسب یازده امتیاز از شش بازی بهترین عملکرد را ثبت کرد. جالب اینکه تا پیش از جام جهانی ۱۹۷۰، هیچ تیمی خارج از قاره میزبان، موفق به کسب قهرمانی نشده بود به جز برزیل که با درخشش پله در سوئد به قهرمانی دست یافت تا یک کشور از قاره آمریکای جنوبی در قاره اروپا جشن قهرمانی به راه بیندازد. جام جهانی ۱۹۷۰ اما تورنمنتی بود که با حضور آلمان غربی، انگلیس و ایتالیا بسیاری انتظار این را می‌کشیدند که قهرمان از قاره اروپا باشد نه آمریکای جنوبی. به سمت ایتالیا بازگردیم؛ والکاریجی با قطعی شدن صعود به رقابت‌های جام جهانی، تصمیم گرفت تیمش را در سال ۱۹۶۹ راهی مکزیک کند تا شرایط این کشور را زیر نظر بگیرند و در چند دیدار تدارکاتی برابر مکزیک در آرتکا به میدان بروند؛ جایی که در دو دیدار دوستانه برابر مکزیک به برتری ۳ بر ۲ و تساوی یک بر یک رسید اما هدف اصلی سفر چیز دیگری بود! والکاریجی در این سفر با گرمای سوزان تابستان مکزیک آشنا شد و به این فکر فرو رفت تا چه تاکتیکی را برای موفقیت در بازی‌های سال آینده اتخاذ کند. در ایتالیا و در آن زمان یک پرسش داغ در ذهن‌های پرسشگر و کنجکاو بی‌پاسخ مانده بود؛ «بازی‌ساز نخست ایتالیا در این تورنمنت چه کسی باید باشد؟» آتزوری در